

بررسی تأثیر خلأهای قانونی بر عملکرد فرماندهی کوپ پلیس پیشگیری استان همدان

بختیار عباسلو^۱، خسرو اسکندری^۲، سید سیامک فتح‌الهی^۳، مجید قاسمی عطایی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۵ / ۱-۲۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۵/۱۵

چکیده

هدف این مقاله مطالعه تأثیر خلأهای قانونی مؤثر بر عملکرد فرماندهی کوپ‌های پلیس پیشگیری ناجا در استان همدان می باشد، که از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری و حجم نمونه انتخاب شده در این پژوهش شامل رؤسا و معاونان کوپ‌های فرماندهی انتظامی استان همدان به تعداد ۹۰ نفر است که به صورت تمام‌شمار در تحقیق شرکت داده شده‌اند. که برای کسب اطلاعات درباره دیدگاه‌ها، باورها و نظرات جامعه آماری پرسشنامه محقق ساخته با ۲۰ گویه (سؤال) تنظیم و در سطح جامعه آماری تقسیم و داده‌های لازم جمع‌آوری شده‌است. نتایج این پژوهش دلالت بر این دارد که اکثر افراد مورد مطالعه، خلأهای قانونی را در عملکرد فرماندهی کوپ‌ها بسیار تأثیرگذار می‌دانند، به طوری که در خصوص خلأ قانونی در زمینه تبیین حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه ۷۱ درصد، خلأ قانونی در زمینه اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه نزد مقامات قضایی ۶۱ درصد، خلأ قانونی در زمینه برخورد با اشخاص مظنون ۷۷ درصد، خلأ قانونی در زمینه بازرسی از خودروها ۸۱ درصد، ابهام قانونی درباره مفهوم و تعیین مصادیق ضابطان قوه قضائیه ۷۷ درصد، نمره ۱۰ و بالاتر داده اند و در مجموع، ۸۱ نفر از افراد شرکت کننده، نمره ۵۰ و بالاتر را اخذ نموده اند و بدین ترتیب بر تأثیرگذاری این موارد بر عملکرد فرماندهان کوپ صحه گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی: خلأ قانونی، پلیس پیشگیری، عملکرد، فرماندهی، کوپ، ضابطان قوه قضائیه.

۱- استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین

۲- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

۳- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

۴- کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی (نویسنده مسئول) majid-ataei@yahoo.com

مقدمه

وظیفه اصلی نیروی انتظامی حفظ نظم و امنیت است و منحصر به وظایف مرتبط با جلوگیری از وقوع جرم، اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و وظایف خاص پلیسی که در تمام کشورها مرسوم بوده، نیست، بلکه دارای وظایف بی‌شماری است که بنا بر اصل تقسیم کار و ضرورت انتظامی و امنیتی، انجام دادن آن‌ها طبق بندهای بیست و شش گانه ماده (۴) قانون نیروی انتظامی، بر عهده این نیرو گذاشته شده است؛ از جمله این وظایف مهم، بر مبنای بند (۸) ماده (۴) قانون ناجا، وظایفی است که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه، بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است که از آن جمله، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرایم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آنان و ابلاغ و اجرای احکام قضایی است.

نیروی انتظامی برای انجام دادن مأموریت‌های سنگین خود، نیازمند نیروهایی توانمند، آموزش دیده و مجهز به تجهیزات و مسلط به قانون است تا بتواند حقوق مردم و عدالت اجتماعی را تأمین کند. پلیس با تکیه بر اصول مدیریت در برخی از موارد بالا از جمله استخدام نیروهای توانا، تهیه تجهیزات، آموزش و تربیت کارکنان و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید می‌تواند برنامه‌ریزی کرده، نیازمندی‌های خود را تأمین کند، ولی وضع قوانین متناسب با مأموریت‌های پلیس در اختیار نیروی انتظامی نیست و این قوانین باید از طریق مراجع قانون‌گذاری وضع شود. البته قبل از وضع قوانین مربوط به نیروی انتظامی، نظریات کارشناسی از نیروی انتظامی استعلام می‌شود. پلیس در چهارچوب قوانین، مسئول برقراری نظم و امنیت است و تمام اقدامات انتظامی خود را باید با قوانین هماهنگ سازد تا خود، الگو و سرمشق خوبی برای افراد جامعه در اجرای قانون باشد. بر این اساس، چنان‌چه قوانینی که در این زمینه توسط قانون‌گذار وضع می‌شود و نیروی انتظامی نیز باید طبق آن‌ها اقدامات و وظایف خود را انجام دهد، دارای خلأ باشد و یا اجرای آن با ابهاماتی روبه‌رو باشد، به طور یقین، مأموریت‌های این نیرو با موانع و مشکلات فراوانی مواجه

خواهد شد و این موانع در یگان‌های اجرایی نیروی انتظامی که پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها (کوپ‌ها)، شاخص‌ترین آن‌هاست، بیش‌تر نمود خواهد داشت و عملکرد فرماندهان کوپ-ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

تأثیر خلأهای قانونی بر عملکرد فرماندهی کوپ پلیس پیشگیری ناجا.

اهداف فرعی:

۱. تأثیر ابهام قانونی در زمینه تعریف و تعیین مصادیق ضابطان قوه قضائیه در عملکرد فرماندهی کوپ.
۲. تأثیر خلأ قانونی در زمینه حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه در دستگیری اشخاص در عملکرد فرماندهی کوپ.
۳. تأثیر خلأ قانونی در زمینه اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه نزد مقامات قضایی در عملکرد فرماندهی کوپ.
۴. تبیین تأثیر خلأ قانونی در زمینه برخورد با اشخاص مظنون در عملکرد فرماندهی کوپ.
۵. تبیین تأثیر خلأ قانونی در زمینه بازرسی از خودروها در عملکرد فرماندهی کوپ.

مبانی نظری پژوهش

صاحب ترمینولوژی حقوق درباره اصطلاح «ضابط» چنین آورده‌است:

بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به عنوان اداره ناحیتی تأسیس و رئیس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضابط یا مباشر می‌گفتند که به تصویب نایب‌الحکومه ملوک و امضای حاکم ولایت به سمت خود منصوب می‌شد و کدخدایان دهات، تابع او بودند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها به عهده ضابطان بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۳۳۰۲ و ۱۰۴۲).

ضابطان دادگستری (قوة قضائیه) مأمورانی هستند که تحت تعلیم مقامات قضایی ذیصلاح به منظور پیشگیری از وقوع جرم و تحقیق و بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و ادله و جرم و دستگیری و مراقبت و ملازمت و بدرقه مظنونین، متهمین، مرتکبین، مجرمین و محکومین به ارتکاب جرایم و جلوگیری از فرار و اختفای آنها برابر مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند (قاسم‌پور، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۵).

«ضابطین دادگستری یا پلیس قضایی مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی و انقلاب یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم، حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانون اقدام می‌کنند. ماده (۱۹) قانون اصول محاکمات جزایی از این افراد با عنوان ضابطان عدلیه یاد کرده بود» (آخوندی، ۱۳۶۸: ۱۳).

«ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او و سرانجام، حفظ آثار و دلایل جرم، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، طبق ضوابط قانونی اقدام می‌کنند» (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

در اصطلاح حقوقی، ضابطان مأمورینی هستند که در حدود مقررات قانون دادرسی مکلف به بازجویی و تحقیق، گردآوری مدارک و دلایل جرم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تعقیب قانونی او می‌باشند (قاسم‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵).

ضابطان قضایی، کسانی هستند که علی‌رغم داشتن ابلاغ و پایه قضایی، مانند دادستان، بازپرس و دادیار، وظایف و اختیارات ضابطان قوة قضائیه را دارا بوده و عموماً کارکرد آنان در سیستم دادرسی است، ضمن آن‌که سایر ضابطان قوة قضائیه (غیرقضایی) تحت تعلیم آنان می‌باشند. این افراد در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، از عداد ضابطان خارج شده‌اند (قاسم‌پور، ۱۳۸۱: ۴۷).

پس از حذف دادرسی و مقامات قضایی آن، قانون‌گذار کلیه اختیارات و اقدامات و تحقیقات را طبق ماده (۱۴) ق.ت.د.ع.ا به دادگاه‌های عمومی محول کرد و عنوان جدیدی

به نام قاضی تحقیق طبق ماده (۱۵) ق.ت.د.ع.ا. وارد سیستم قضایی کشور گردید. البته ناگفته نماند این عنوان جدید یعنی قاضی تحقیق در دادگاه‌های عمومی و انقلاب، فاقد هرگونه اختیارات مستقل قضایی بوده و کلیه اختیاراتش منوط به ارجاع امر توسط رئیس شعبه یا دادرسی علی‌البدل و مقامی وابسته به دادگاه بود. قاضی تحقیق همان دادیار یا بازپرس سابق و واحد تحقیق همان دادرسی سابق بود. کاری هم که این قضات انجام می‌دادند، همان بود که قبلاً بازپرسان و دادیاران انجام می‌دادند.

ضابطان غیرقضایی:

«ضابطین دادگستری را قانون تعیین و معرفی می‌کند. هیچ کس ضابط دادگستری نیست، مگر اینکه قانونی این سمت را برای او به رسمیت شناخته باشد. قانون آیین دادرسی کیفری مأمورینی را که سمت ضابط دادگستری دارند، احصا کرده‌است. این احصا حصری نیست و افراد و مقامات دیگری هم وجود دارند که به موجب قوانین خاص، ضابط قوه قضائیه شناخته شده‌اند» (آخوندی، ۱۳۶۸: ۱۶).

ضابطان غیرقضایی، مأمورینی هستند که فاقد ابلاغ و پایه قضایی و وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی و اداری کشور هستند که به سبب نوع وظیفه و مسئولیتی که دارند در حدود مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند. بر مبنای تعریف فوق، ضابطان غیرقضایی دو دسته‌اند: ضابطان اصلی (عام) و ضابطان تبعی (خاص) (قاسم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۰). ضابطان قوه قضائیه بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری:

در ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری که بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری در جلسه مورخ ۷۸/۱۱/۷ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، ضابطان قوه قضائیه چنین تعریف شده‌اند:

«ضابطین دادگستری، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی

شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام نمایند و عبارتند از:

۱. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛

۲. رؤسا و معاونان و مأموران زندان نسبت به امور زندانیان؛

۳. نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛

۴. سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف نیروی انتظامی را به آنان محول کند؛

۵. مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص، در حدود وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

ضرورت وجودی ضابطان قوه قضائیه:

دستگاه قضایی کشور در راستای تحقق بخشیدن به مفاد اصل (۱۵۶) قانون اساسی، به‌ویژه بند چهارم از این اصل آورده است که علاوه بر قوانین خوب و پیشرفته، به یک نیروی مستعد و کارآمد نیز در جهت کشف و تحقیق جرایم و کلیه اقدامات مرتبط با این امر از قبیل حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان و ... نیاز هست که در حال حاضر، به موجب قانون، ضابطان قوه قضائیه به عنوان بازوی اجرایی قوه قضائیه مشغول انجام وظایف قانونی خود می‌باشند.

از آن جا که انجام این وظایف با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و نظم عمومی جامعه و به نوعی با مفاد اصل (۲۲) قانون اساسی مرتبط است، ضرورت دارد که پلیس قضایی ورزیده، آگاه، تعلیم‌دیده و مسلط به وظایف و مقررات، عهده‌دار چنین مسئولیت‌های حساسی باشد تا در این رهگذر، حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع آحاد جامعه بدون هیچ گونه عذر و بهانه‌ای محترم شمرده و مراعات گردد. از این رو، در جهت تحقق بخشیدن به عدالت کیفری در کنار قوانین خوب و پیشرفته و نیروی انسانی مستعد و کارآمد در بخش قضایی و اداری دستگاه قضایی، ضرورت دارد که ضابطان ورزیده و آگاه

قوه قضائیه به عنوان بازوان اجرایی قوه قضائیه تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی در جهت کشف جرم به محض وقوع جرم، نقش خود را موافق مقررات و قوانین موضوعه، به نحو احسن ایفا کنند.

اجرای وظیفه کشف جرایم به جهت اهمیتی که در سلسله اقدامات مربوط به نهاد دادرسی و از آن جمله، مهم‌ترین و حساس‌ترین این مراجع، یعنی مراجع کیفری دارد، همواره مورد توجه مسئولان بوده، به طوری که به محض وقوع ساده‌ترین جرم در سطح جامعه، بلافاصله همه نگاه‌ها به سمت ضابطان قوه قضائیه و به ویژه نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام قوه قضائیه جلب شده و توقع کشف جرم واقع شده را در حداقل زمان ممکن دارند.

اقدامات و فعالیت‌های قضایی سایر مراجع کیفری تا حدود بسیار زیادی بستگی به نحوه کارکرد این نهاد در راستای رسیدگی به جرایم دارد و اجرای احکام زمانی شروع می‌شود که ضابطان، وظیفه جرم‌یابی خود را با تکنیک‌ها و تاکتیک‌های پلیسی و روزآمد و منطبق با اصول پلیس علمی انجام دهند و در این مسیر، نباید کوچک‌ترین ضعف و نقص و بی‌توجهی در اقدامات مربوط به کشف جرایم وجود داشته باشد، چرا که برابر تجارب موجود به هیچ وجه قابل جبران نبوده و تا خاتمه رسیدگی قضایی مشهود می‌باشد، به طوری که در اکثر اوقات، ابهامات و پیچیدگی‌های بزرگی در روند رسیدگی به موضوع به وجود می‌آورد و حاصل آن، در نهایت منجر به فرار مجرم از چنگال عدالت و مجازات می‌گردد.

بدون شک تا زمانی که علوم و فنون مورد استفاده در بخش کشف جرایم از جدیدترین و پیشرفته‌ترین یافته‌های پلیسی نباشد، این مرجع نخواهد توانست وظیفه بسیار مهم و سرنوشت‌ساز خود را به نحو احسن انجام دهد. شاید بتوان گفت منشأ بسیاری از بی‌نظمی‌ها و هرج و مرج‌های اجتماعی، در فرار شماری از مجرمان از چنگال قانون، در اثر کشف و یا ثابت نشدن جرایم ارتكابی ایشان نهفته است.

ضرورت وجودی ضابطان قوه قضائیه به عنوان بازوی عملیاتی مراجع کیفری که یکی از موضوعات بسیار مهم حقوق جزای شکلی (آیین دادرسی کیفری) است، تا آن جاست که گفته شده: «... به تجربه ثابت شده است آن چه موجب اصلاح جامعه و ارباب مجرمین می گردد، شدت مجازات نبوده، بلکه پلیس قضایی ورزیده و قضات متخصص هستند که هر نوع جرم را کشف و عامل آن را به مجازات می رسانند، به طوری که هیچ مجرمی بدون مجازات نمانده و هیچ بی گناهی گرفتار عقاب نگردد که این امر، وظیفه اصلی و هدف نهایی حقوق جزای شکلی است» (هدایتی، ۱۳۴۲: ۳).

حدود اختیارات ضابطان در دستگیری:

در ترمینولوژی حقوق، درباره مفهوم دستگیری آمده است: «دستگیری یعنی سلب آزادی عبور و مرور که منتهای آن توقیف قانونی است، یعنی بعد از دستگیری به اتهام بزه چنانچه چه مدافعات شخص دستگیر شده موجه نبود برای منع از فرار یا نماندن متهم قرار بازداشت صادر می شود و به هر حال قرار می که بعد از رسیدگی و تشخیص عدم موجه بودن مدافعات مزبور صادر می شود که به موجب آن سلب آزادی ناشی از دستگیری متهم ادامه می یابد، از تاریخ صدور خود به مدت دستگیری پایان داده و پس از آن، عنوان توقیف صدق می کند تا وقتی که حکم قطعی لازم الاجرا به حبس او صادر شود که آن وقت عنوان توقیف جای خود را به عنوان حبس می دهد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: شماره ۲۲۹۷).

«دستگیری اقسام زیاد دارد و به اعتبارات مختلف قابل تقسیم می باشد. مهم ترین طبقه بندی آن عبارت از تقسیم بندی به دستگیری قضایی و دستگیری اداری است که به ترتیب موضوع بحث حقوق کیفری و تحقیقات جنایی و حقوق اداری (حفظ نظم عمومی) می باشد، مانند دستگیری دیوانگان، دستگیری اشخاص برای جلوگیری از ارتکاب عملیات خلاف نظم عمومی، دستگیری های احتیاطی و پیشگیری کننده به مقاصد سیاسی و امنیتی و غیر آن، دستگیری بیگانگان و اخراج آن ها ...» (انصاری، ۱۳۵۷: ۴۳۲).

حدود اختیارات ضابطان در دستگیری افراد در جرایم مشهود:

بخشی از کارکنان نیروی انتظامی از حیث اینکه از ضابطان قوه قضائیه محسوب می‌شوند، مشمول مقررات ضابطان قوه قضائیه که در قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر قوانین موضوعه احصا شده است، می‌باشند و در نتیجه، همان تکالیفی که قانون‌گذار برای ضابطان دادگستری مقرر داشته، عیناً در خصوص کارکنان نیروی انتظامی نیز صدق می‌کند. بدین ترتیب، در این قسمت از تحقیق، به وظایف نیروی انتظامی مندرج در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به شرح ذیل اشاره می‌شود.

شناسایی جرایم مشهود و غیرمشهود:

به منظور شناسایی و تبیین جرایم مشهود و غیرمشهود، می‌باید مصادیق آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. به طور کلی تمامی جرایم در زمینه هنگام کشف و ثبوت به دو صورت مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌شوند. کلمه مشهود در لغت به معنی چیزی است که قابل مشاهده باشد و بتوان آن را دید و در فرهنگ عمید، به معنی حاضر شده، دیده شده، آن چه بر آن گواه شوند و به معنی روز جمعه و قیامت نیز آورده شده است (عمید، ذیل «مشهود»).

منظور از جرایم مشهود، جرایمی هستند که به صورت آشکار و در مرئی و منظر صورت مأموران ضابط دادگستری ارتکاب یافته باشد، ولی از نظر قانون‌گذار که هیچ‌گونه تعریفی از جرایم مشهود در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ارائه نداده، شرط عنوان جرایم مشهود به این قبیل جرایم، تحقق موارد خاصی می‌باشد که مصادیق آن در ماده (۲۲) قانون مذکور آمده است.

علی‌آبادی، جرم مشهود و جرم غیرمشهود را چنین تعریف کرده است: «با در نظر گرفتن عنصر مادی و عنصر قانونی، جرایم را به جرایم مشهود و جرایم غیرمشهود تقسیم می‌نمایند. جرم مشهود به طور کلی عبارت از جرمی است که مرتکب در حین ارتکاب، غافلگیر شده و دلایل ارتکاب در همان اوان در دسترس قرار گیرد. جرم غیرمشهود بر عکس، جرمی است که پس از مدتی به آن وقوف پیدا می‌نمایند. قطعیت و دلایل جرایم غیرمشهود نسبت به جرایم مشهود کم‌تر و خفیف‌تر است (علی‌آبادی، ۱۳۷۳: ۹۴).

گلدوزیان در تعریف جرایم مشهود و غیرمشهود چنین آورده است: «جرم مشهود، جرمی است که مرتکب در حین ارتکاب جرم، دستگیر و دلایل جرم قابل جمع‌آوری باشد و هم‌چنین، جرم غیرمشهود جرمی است که مدتی از ارتکاب آن گذشته باشد و به دست آوردن دلایل آن مسلم نباشد (گلدوزیان، ۱۳۷۲: ۱۰۵).

اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه:

در فرهنگ فارسی امروز، اعتبار در این معانی آورده شده است: «۱. ارزش کاربردی؛ ۲. قابلیت اعتماد؛ ۳. امکانی که برای دریافت وام یا خرید نسیه به مشتریان داده می‌شود؛ ۴. مبلغ پیش‌بینی شده در بودجه برای موردی معین» (صدری افشار، ۱۳۷۴: ۱۰۹).

در فرهنگ مذکور آمده است که گزارش عبارت است از: ۱. شرح یک رویداد؛ ۲. خبر رویدادهای یک جلسه یا اجتماع؛ ۳. مقاله‌ای که دانشجو یا پژوهشگری درباره کار پژوهشی خود بنویسد (صدری افشار، ۱۳۷۴: ۹۵۴).

مواد قانونی مربوط به اعتبار گزارش ضابطان عبارت است از: بررسی اجمالی مواد قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب نشان می‌دهد که قانون مذکور در سه مورد در خصوص ارزش قضایی گزارش ضابطان مقرراتی را بیان کرده است:

۱. در ماده (۱۵) این قانون پس از تعریف ضابطان دادگستری، به ذکر وظایف و احصای ضابطان پرداخته است. سپس در تبصره ذیل همان ماده در مورد گزارش ضابطان گفته است: «گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند».

۲. در فصل دوم از باب اول آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ضمن توضیح اختیارات دادرسان و قضات تحقیق، در ماده (۴۳) چنین آورده شده است: «در غیر موارد منافی عفت، دادرسان و قضات تحقیق می‌توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند، با تعلیمات لازم به ضابطین ارجاع دهند. این اقدامات ارزش اماره قضایی دارد».

۳. در فصل سوم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب، قانون گذار، ترتیبات رسیدگی و صدور رأی را بیان کرده است. در ماده (۲۰۵) از همین فصل آمده است: «چنان چه یکی از طرفین دعوا نسبت به صحت تحقیقات ضابطین اشکال موجهی نماید، دادگاه تحقیقات را رأساً و یا توسط قاضی تحقیق یا به هر نحو مقتضی دیگر انجام خواهد داد».

انواع گزارش های ضابطان قوه قضائیه:

در یک تقسیم بندی ساده، گزارش های ضابطان قوه قضائیه را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱. گزارش های اداری: به آن دسته از گزارش های ضابطان که در سلسله مراتب اداری و برای انجام دادن امور اداری سازمان متبوع اطلاق می شود، مانند مکاتبات کارگزینی از قبیل مرخصی، انتقالات و... گفته می شود. این دسته از گزارش های ضابطان، همانند گزارش های سایر سازمان های دولتی عمل می کند و ویژگی خاصی ندارد.

۲. گزارش های قضایی: به آن دسته از گزارش ها گفته می شود که در راستای انجام دادن مأموریت های قضایی ضابطان صورت می گیرد. این گزارش ها در آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب و نیز در سایر مقررات مربوط آمده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- گزارش اعلام کشف جرم؛
- صورت مجلس بازجویی مقدماتی از شاکیان، گواهان و متهمان؛
- گزارش اقدامات انجام شده برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم؛
- گزارش اقدامات انجام شده در زمینه حفظ آثار و دلایل جرم؛
- گزارش انواع اوراق و احکام قضایی؛
- گزارش اجرای احکام و تصمیمات قضایی؛
- گزارش تحقیقات غیر محسوس انجام شده در موارد مشکوک به وقوع جرم؛
- صورت مجلس تفتیش و بازرسی اماکن، اشیا و وسایل؛

- صورت مجلس تحقیقات محلی؛
- صورت مجلس معاینه محلی؛
- گزارش اجرای دستورات مقامات قضایی؛
- اظهار نظر کارشناسی در خصوص پرونده‌های مرتبط با تخصص‌ها و مهارت‌های پلیسی، کارآگاهی، تشخیص هویت و کشف علمی جرایم؛
- گزارش ماهیانه اقدامات انجام شده در خصوص پرونده‌های تحت اقدام که به نتیجه نرسیده است.

خلأهای قانونی در زمینه بازرسی از خودروها:

«بازرسی در معانی زیر به کار برده می شود:

۱. رسیدگی به چگونگی گردش کارها در یک مؤسسه یا ناحیه؛
۲. رسیدگی به چگونگی یک رویداد؛
۳. جست‌وجو و بررسی یک محل یا وسایل شخصی و بدن یک شخص» (صدری افشار، ۱۳۷۴: ۵۴۲).

نیروی انتظامی برای برقراری نظم و امنیت، تأمین آسایش فردی و عمومی و پیشگیری از جرایم، به‌ویژه در مناطق مرزی و گلوگاه‌های ورود مواد مخدر و کالای قاچاق، نیازمند ابزارهای انتظامی و حقوقی از جمله ایستگاه‌های بازرسی از خودروهای مشکوک و مظنون در حال عبور در ساعات مختلف شبانه روز و در حالت‌ها و موقعیت‌های متفاوت، برای جلوگیری از تحرکات متخلفان و مجرمان جرایم سازمان یافته است. در این‌جا ابتدا به تعریف و سپس انواع بازرسی‌هایی که معمولاً توسط ضابطان قضایی (مقامات قضایی دادسرا) و به‌طور خاص از سوی نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط عام قوه قضائیه اجرا می‌شود، اشاره شده، سپس با توجه به این‌که بیش‌ترین بازرسی از خودروها توسط نیروی انتظامی در محل ایست و بازرسی‌های موقت و یا دائم صورت می‌گیرد، به تعریف ایست و بازرسی و اهداف آن و اختیارات کارکنان شاغل ناجا در این حوزه و وجاهت قانونی آن پرداخته می‌شود.

انواع بازرسی

۱. بازرسی بدنی: بازرسی بدنی یعنی کاوش بدن یا لباس شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم، به قصد یافتن ادله مخفی مربوط به جرم یا اسلحه یا کشف هویت. بدین ترتیب، بازرسی از افراد معمولی، وجهه قانونی نداشته و مأموران در موارد عادی مجاز به این امر نیستند و انجام دادن هرگونه بازرسی از افراد باید با دستور مقامات صالح قضایی باشد، مگر در موارد جرایم مشهود موضوع ماده (۲۳) ق.آ.د.ک.

هرگاه قرائنی موجود باشد که متهم، آلات و ادوات مربوط به جرم را با خود دارد، قاضی می‌تواند دستور دهد تا اقدام به بازرسی بدنی شود. در ایران، قوانین و رویه قضایی در خصوص وضعیت حقوقی بازرسی بدنی سکوت کرده و هیچ مطلب صریحی در ارتباط با بازرسی بدنی مطرح نشده است. مراجع قضایی ایران با سکوت خود، به طور ضمنی عملاً بازرسی بدنی در جرایم مشهود و غیر مشهود را تأیید و تنفیذ کرده‌اند.

در حال حاضر مأموران نیروی انتظامی در ایست و بازرسی‌های درون و بیرون شهرها، اعم از ثابت یا سیار، افراد را متوقف و در ملأ عام مورد بازرسی بدنی قرار می‌دهند. این عمل مأموران در صورتی که فاقد مجوز قضایی باشد، غیرقانونی است، چراکه مواد (۲۰)، (۲۱) و (۲۲) ق. آ. د. ک، ضابطان قوه قضائیه را مکلف به تحقیق در مورد اطلاعات و اخبار وقوع جرم، تفتیش، تفحص، استعلامات شفاهی و نظارت مخفی نموده و هر گونه اقدامی را منوط به دستور مقام قضایی دانسته است. بدین ترتیب، هرگونه بازرسی از افراد باید با دستور مقامات صالح قضایی باشد، مگر در موارد جرم مشهود موضوع ماده (۲۳) ق.آ.د.ک.

۲. بازرسی اتومبیل: در خصوص بازرسی اتومبیل در قوانین شکلی کیفری صحبتی به میان نیامده است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که اتومبیل در حکم اماکن خصوصی می‌باشد و مقررات راجع به اماکن خصوصی در مورد اتومبیل نیز باید رعایت گردد، ولی با عنایت به این که اتومبیل دارای قابلیت تحرک و مشمول مقررات خاص راهنمایی و رانندگی است و مالک آن نمی‌تواند به دلخواه خود تغییراتی از حیث رنگ و سیستم و محور و غیره در

آن بدهد، بیان این مطلب که اتومبیل در حکم اماکن خصوصی می‌باشد منطقی به نظر نمی‌رسد.

«بنا بر نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه هرگاه بازرسی اتومبیل چه در مدخل شهر و چه در داخل آن از نظر حمل اجناس ممنوع و یا اشخاص تحت پیگرد و یا از نظر حفظ امنیت اجتماعی و پیشگیری از وقایع نامطلوب و یا کشف جرم و تعقیب مجرم ضروری تشخیص داده شود، بایستی با اعلام مراتب به مقامات قضایی ذی‌ربط و اخذ نمایندگی مخصوص به عمل آید»، ضمناً اعطای نمایندگی به طور مطلق و بدون تعیین مشخصات نماینده و مدت و موضوع آن، با مقررات قانونی مطابقت ندارد.

در حال حاضر ملاک عمل در نیروی انتظامی، علاوه بر اعلامات و اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق منابع اطلاعاتی، ارزیابی وضعیت و حالات روحی و روانی راننده و سرنشینان و طرز گفتارشان با مأمور بازرسی در حین سؤال و جواب و به طور کلی تجارب شخصی تعداد کمی از مأموران در شناسایی رانندگان و سرنشینان مظنون می‌باشد و باید گفت که اخذ مجوز قضایی از مقامات قضایی در جهت توقف و بازرسی از خودروها بنا به دلایل متعددی از جمله برخورد مقطعی با افراد مشکوک و غیره، عملاً اجرا نمی‌گردد و رانندگان خودروها نیز در اثر تکرار روال این موضوع، به طور ضمنی رضایت به این امر دارند. معمولاً این گونه بازرسی‌ها در ایست و بازرسی‌های موقت و دائم توسط کارکنان نیروی انتظامی انجام می‌شود. بدیهی است استفاده صحیح از این نوع عملیات در چارچوب قانون، در موفقیت نیروی انتظامی بسیار مؤثر است، ولی در سال‌های اخیر از جانب بعضی از افراد جامعه، بر اجرای عملیات ایست و بازرسی از نظر قانونی ایراداتی وارد شده و حتی در بعضی مواقع منجر به طرح دعوی مبنی بر عدم تطابق عملیات ایست و بازرسی با قانون در دیوان عدالت اداری هم گردیده که این امر ابهاماتی را برای کارکنان نیروی انتظامی ایجاد کرده است. از این رو، طرح این مساله به عنوان یک خلأ قانونی مهم، قابل بررسی است.

خلاً قانونی در زمینه برخورد با اشخاص مظنون:

صدری افشار در فرهنگ فارسی امروز مظنون را چنین معنی کرده است: «۱. در معرض بدگمانی؛ ۲. دارای گمان و ظن، ظنین، مشکوک (صدری افشار، ۱۳۷۴: ۱۰۳۲).

دهخدا نیز در باب مفهوم مظنون آورده است:

«[آندراج] گمان برده شده و دانسته شده، گمان کرده شده، مشکوک، نامعلوم و نامحقق و یقین ناشده و شبهه‌دار و پنداشته شده و گمان و پندار؛ [ناظم الاطباء] ظنین، متهم، گمان رفته، گمان شده، به گمان رفته، در لغت به معنی گمان برده شده است ولی گاهی آن را به معنی گمان‌برنده یعنی به جای ظان هم استعمال کنند (دهخدا، ۱۳۴۵).

طبق تعریف سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینتربیل)، مظنون حالت کسی است که بین عمل او و آثار و نشانه‌ها و شواهد جمع‌آوری شده در تحقیقات کیفری پلیس رابطه وجود دارد و به موجب دلایل مزبور و حسب قرائن معقول، می‌توان وی را مرتکب یا شریک یا معاون جرم تصور نمود.

با توجه به این که پلیس صرفاً در جرایم مشهود اختیار دستگیری و بازداشت افراد را دارد، اگر شخصی ولگرد باشد و قرائن کافی در این مورد وجود داشته باشد، پلیس قادر به بازداشت نامبرده می‌باشد، ولی در غیر این مورد، صرف مظنون بودن شخص برای پلیس اختیار بازداشت و دستگیری ایجاد نمی‌نماید؛ زیرا قانون‌گذار مضمونیت را در شمار جرایم مشهود نیاورده است. برای روشن شدن بهتر مطلب به مواد قانونی و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، مرتبط با بحث حاضر، اشاره می‌شود:

ماده (۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بیان می‌دارد: «هرگاه علایم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد، قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون این‌که حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند، به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می‌دهند.»

ماده (۲۴) قانون مذکور اذعان دارد: «ضابطين دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند؛ در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطين مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه‌دارند و چنان‌چه در جرایم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌تواند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. هم‌چنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هرچند اجرای تحقیقات به‌طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد».

روش‌شناسی

ضابطان قوه قضائیه: در این تحقیق منظور از ضابطان قوه قضائیه، «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد که در بند اول ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ آورده شده و به‌طور عام، کلیه کارکنان نیروی انتظامی را به‌عنوان ضابط قوه قضائیه شناخته است و برای سنجش این‌که این موضوع تا چه حد در عملکرد فرماندهان کوپ تأثیر دارد، گویه‌های ۱-۵ الی ۴-۵ پرسشنامه پژوهش با سؤالاتی در زمینه عدم تبیین دقیق انواع ضابطان قوه قضائیه، عدم تبیین ضابطان قوه قضائیه در سطح یگان‌های مختلف ناجا، عدم تبیین ضابطان قوه قضائیه از نظر زمان و مکان مأموریت و عدم تبیین ضابطان قوه قضائیه از نظر تخصص ایشان مطرح شده است.

دستگیری: منظور از دستگیری در این تحقیق، کلیه دستگیری‌های پلیسی است که تحت عناوین مختلف مانند جرایم مشهود و غیرمشهود و هم‌چنین، دستگیری‌های با دستور مقام قضایی توسط مأمورین نیروی انتظامی انجام می‌شود که برای سنجش این‌که این

موضوع تا چه حد در عملکرد فرماندهان کوپ تأثیر دارد، گویه‌های ۱-۱ الی ۱-۴ پرسشنامه پژوهش با سؤالاتی در زمینه حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه در دستگیری اشخاص در جرایم مشهود، حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه در دستگیری اشخاص به دستور مقام قضایی، ابهامات قانونی در تعقیب و گریز متهمان فراری و خلأها یا ابهامات قانونی موجود در نگهداری اشخاص دستگیر شده سخن به میان آمده است.

اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه: در ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، پس از تعریف ضابطان قوه قضائیه، به ذکر وظایف و احصای ضابطان پرداخته است. سپس در تبصره ذیل همان ماده در مورد گزارش ضابطان آورده که این دسته گزارش‌ها در صورتی معتبر است که خود ضابطان، موثق و مورد اعتماد قاضی باشند. از این رو، در این تحقیق منظور از اعتبار گزارش ضابطان، ارزش و اعتبار گزارش‌های مختلفی است که توسط مأمورین نیروی انتظامی به اشکال گوناگون، به عنوان ضابط قوه قضائیه تنظیم می‌شود، خواه این گزارش‌ها بنا به دستور مقام قضایی باشد و یا ابتدا به ساکن توسط خود مأموران تنظیم و به دستگاه قضایی محل ارسال شود. این که این موضوع تا چه حد در عملکرد فرماندهان کوپ تأثیر دارد، توسط گویه‌های ۲-۱ الی ۲-۴ پرسشنامه پژوهش با سؤالاتی در زمینه خلأها یا ابهامات قانونی در خصوص اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه در جرایم مشهود، اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه در جرایم غیرمشهود، اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه در تحقیقات محلی، اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه در معاینه محلی و کارشناسی، مورد سنجش قرار گرفته است.

بازرسی خودرو: مأموران نیروی انتظامی در راستای برقراری نظم و امنیت و کشف جرم و به‌ویژه دستگیری مجرمان و پیشگیری از وقوع جرایم در هرنقطه‌ای از کشور و در ساعات مختلف شبانه‌روز و در مکان‌های متفاوت ناگزیر هستند خودروهای در حال تردد را به دلایل مختلف مورد بازرسی قرار دهند و منظور از بازرسی خودرو در این تحقیق، این گونه بازرسی‌هاست که خلأها و ابهامات قانونی در این خصوص موانع زیادی را در راستای اجرای مأموریت‌های ناجا به وجود آورده است. لذا برای سنجش این که این

موضوع تا چه حد در عملکرد فرماندهان کوپ تأثیر دارد، گویه‌های ۴- ۱ پرسشنامه با سؤالاتی در زمینه خلأها یا ابهامات قانونی در خصوص چگونگی متوقف نمودن خودروها، ابهامات قانونی در خصوص بازرسی از خودروها، خلأها یا ابهامات قانونی در خصوص توقیف خودروها و ابهامات قانونی در خصوص تعقیب خودروها تنظیم شده است.

مظنون: منظور از افراد مظنون در این تحقیق کسانی هستند که مأموران نیروی انتظامی در راستای انجام دادن مأموریت‌های محوله از قبیل پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرایم، دستگیری متهمان فراری و غیره برحسب تجارب مکتسبه به نحوی از انحا به آنان مشکوک و مظنون شده و پس از متوقف نمودن ایشان از آنان تحقیق لازم را به عمل می‌آورند. برای سنجش این که این موضوع تا چه حد در عملکرد فرماندهان کوپ تأثیر دارد، گویه‌های ۳-۱ الی ۳-۴ پرسشنامه پژوهش با سؤالاتی در زمینه خلأها یا ابهامات قانونی در خصوص چگونگی متوقف نمودن اشخاص مظنون، دستگیری اشخاص مظنون، ابهامات قانونی در زمینه بازداشت اشخاص مظنون و خلأها یا ابهامات قانونی در مورد تشخیص افراد ولگرد، تنظیم شده است.

زمان و مکان تحقیق

قلمرو مکانی این تحقیق، استان همدان و از حیث بازه زمانی، در سال ۱۳۸۹ می‌باشد که قابل تعمیم است.

جامعه آماری و حجم نمونه

این نظر منطبق با جامعه آماری و حجم نمونه انتخاب شده در این پژوهش است که شامل رؤسا و معاونان کوپ‌های فرماندهی انتظامی استان همدان به تعداد ۹۰ نفر است که به صورت تمام‌شمار در پژوهش شرکت داده شده‌اند.

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از نظر روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد که برای کسب اطلاعات درباره دیدگاه‌ها، باورها و نظرات جامعه آماری استفاده شده است. در کنار روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات لازم، از جمله متداول‌ترین روش‌های دیگر جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از پرسشنامه است که در این

پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با ۲۰ گویه (سؤال) تنظیم و در سطح جامعه آماری تقسیم و داده‌های لازم جمع‌آوری شده است.

در این پژوهش با توجه به نوع تحقیق از نرم افزارهای مناسب آماری استفاده شده است. بدین ترتیب که پس از تهیه و تکمیل پرسشنامه و ارائه آن به اعضای جامعه آماری، اطلاعات جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده و با استفاده از نرم افزار SPSS اقدام به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردید. نتایج کلی پژوهش بیانگر آن است که کم‌ترین امتیاز مکتسب برابر با ۳۰ بوده است (۳ نفر از افراد شرکت کننده امتیاز ۳۰ را کسب نموده بودند). همچنین ۲ نفر از افراد شرکت کننده نیز امتیاز ۸۰ را کسب نموده‌اند. در این جا می‌توان گفت که ۸۱ نفر از افراد شرکت کننده نمره ۵۰ و بالاتر را اخذ نموده‌اند و به طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اغلب افراد مورد مطالعه، خلأهای قانونی را در عملکرد فرماندهی کوپ بسیار تأثیرگذار ارزیابی نموده‌اند.

نتایج این پژوهش دلالت بر این دارد که اکثر افراد مورد مطالعه که فرماندهان کوپ استان همدان هستند، خلأهای قانونی را در عملکرد فرماندهی کوپ بسیار تأثیرگذار ارزیابی نموده‌اند؛ به طوری که شرکت کنندگان در این مطالعه، در خصوص خلأ قانونی در زمینه حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه در دستگیری اشخاص ۷۱ درصد، خلأ قانونی در زمینه اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه نزد مقامات قضایی ۶۱ درصد، خلأ قانونی در زمینه برخورد با اشخاص مظنون ۷۷ درصد، خلأ قانونی در زمینه بازرسی از خودروها ۸۱ درصد، ابهام قانونی درباره مفهوم و تعیین مصادیق ضابطان قوه قضائیه ۷۷ درصد، نمره ۱۰ و بالاتر داده‌اند و در مجموع ۸۱ نفر از افراد شرکت کننده نمره ۵۰ و بالاتر را اخذ نموده‌اند و بدین ترتیب بر تأثیرگذاری این موارد بر عملکرد فرماندهان کوپ صحنه گذاشته‌اند.

پیشنهادها و راهکارها

۱. جهت بررسی و مشخص کردن کلیه خلأها و ابهامات قانونی موجود در مأموریت‌های ناجا، کمیسیونی مرکب از اندیشمندان و خبرگان علم حقوق (درون سازمانی

و برون سازمانی) و افراد با تجربه در امور انتظامی و اجرایی در ناجا، تشکیل شود و با بحث و تبادل نظر در این موارد ضمن شناسایی خلأها و ابهامات قانونی و راهکارهای علمی و عملی، نتایج به دست آمده را به مسئولان منعکس نمایند.

۲. با توجه به این که دانش حقوقی کارکنان ناجا با وجود آموزش تعداد قابل ملاحظه‌ای از واحدهای درسی علم حقوق در دانشگاه علوم انتظامی و آموزشگاه‌های درجه‌داری، در سطح قابل قبولی نیست، از این رو، ضروری می‌نماید معاونت آموزش و تربیت ناجا و دانشگاه علوم انتظامی در این زمینه اهتمام ویژه‌ای نمایند.

۳. با توجه به وضعیت قوانین موجود راجع به حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه در دستگیری اشخاص، اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه، بازرسی از خودروها و نحوه برخورد با اشخاص مظنون، لازم است فرماندهان کوپ پلیس پیشگیری ناجا این موارد را در برنامه‌های آموزشی روزانه و مستمر خود، مدنظر قرار دهند و کارکنان خود را از عواقب برخورد سلیقه‌ای و بعضاً غیرقانونی با این گونه موارد آگاه سازند.

۴. با برقراری تعامل با مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های مربوط، طوری برنامه‌ریزی شود تا مجلس محترم قبل از تصویب قوانین مربوط به نیروی انتظامی، نظرات اعلامی از سوی این نیرو را لحاظ کرده و اهمیت لازم را به این نظرات مبذول نماید.

۵. در خصوص اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه با توجه به تبصره ذیل ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که اشعار می‌دارد «گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند»، باید توسط مسئولان مربوط طوری برنامه‌ریزی شود که حداقل در جرایم مشهود و یا در صورتی که گزارش مبتنی بر مشاهده مأموران است، به عنوان شاهد از طرف دستگاه قضایی پذیرفته شود. در این راستا، معاونت محترم حقوقی ناجا در خصوص احیای قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ در خصوص اعتبار گزارش ضابطان قوه قضائیه اقدامات لازم را به عمل آورده و تلاش خود را بنمایند.

۶. سعی شود در استان‌ها در سایه تعامل بیش‌تر با دستگاه‌های قضایی استان و شهرستان، هماهنگی و همکاری در بین قضات و فرماندهان کوپ‌ها بیش‌تر گردد و از دانش قضایی قضات برای آموزش کارکنان کوپ‌ها استفاده شود. همچنین، قابل دسترس بودن قضات کشیک در تمام ساعات شبانه‌روز (غیراداری) و قانونمند کردن دستورات ایشان به ضابطان قوه قضائیه می‌تواند این تعامل را توسعه دهد.

۷. پیشنهاد می‌گردد توسط معاونت محترم حقوقی و امور مجلس ناجا موضوع نحوه و برخورد با اشخاص مظنون طوری پیگیری شده که منجر به تصویب قانونی گردد تا در شرایط خاص و با رعایت حقوق شهروندی و سایر قوانین مربوط و بدون اعمال سلیقه، مأموران اجرایی ناجا و به‌ویژه کارکنان کوپ‌ها بتوانند به طور قانونی برخورد مناسبی با این گونه اشخاص در پیشگیری از وقوع جرم و نیز در کشف جرایم نمایند.

۸. پیشنهاد می‌گردد در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، به دلیل کمبود نیرو در ناجا، از افسران وظیفه‌ای که دارای مدرک کارشناسی و یا بالاتر در رشته‌های حقوق و علوم قضایی‌اند، به عنوان ضابط قوه قضائیه استفاده خدمتی به عمل آید.

۹. از جمله مواردی که باعث می‌شود گزارش‌های مأموران انتظامی در کوپ‌ها به صورت صحیح تنظیم نشده و یا دارای نواقصی باشند که در نهایت منجر به غیرمعتبر شناخته شدن این گزارش‌ها می‌شود، حجم بالای پرونده‌ها در کوپ‌ها و کمبود نیروی انسانی در دواير قضایی آن‌هاست. از این رو لازم است به این مورد توجه شود و این دواير با تدبیر مسئولان پلیس پیشگیری ناجا هر چه بیش‌تر تقویت شوند.

منابع :

- انصاری، ولی الله (۱۳۵۷)، حقوق تحقیقات جنایی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ایوبی، محمد (۱۳۸۵)، بررسی موانع و مشکلات نیروی انتظامی در مقام ضابط قوه قضائیه (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی): دانشکده فرماندهی و ستاد.
- آخوندی، محمود (۱۳۶۸)، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۲)، آیین دادرسی کیفری، ج ۵، چ ۱، تهران: میزان.
- آشوری، محمد (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۸، تهران: سمت.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، ج ۲۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ ۱۳، تهران: سمت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات سازمان لغت نامه دهخدا.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی (۱۳۷۷)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۷۳)، فرهنگ فارسی امروز، ویرایش ۲، تهران: کلمه.
- عباسلو، بختیار (۱۳۸۶)، «حدود اختیارات ضابطان قوه قضائیه در جرایم مشهود»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی.
- عباسلو، بختیار (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- علی پور، محمد احمد (۱۳۷۸)، بررسی عوامل مؤثر بر مقبولیت و اعتبار گزارش‌های قضایی مأمورین، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی): دانشکده فرماندهی و ستاد.
- علی آبادی، عبد الحسین (۱۳۷۳)، حقوق جنایی، ج ۱، چ ۳، تهران: فردوسی.
- عمید، حسن (۱۳۵۳)، فرهنگ عمید، ج ۱۱، تهران: جاویدان.
- قاسم پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، ضابطان قوه قضائیه و وظایف آنان، تهران: افق امید.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۰)، «بررسی و نقد ارزش قضایی گزارش ضابطان قوه قضائیه»، فصلنامه دانش انتظامی.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری او ۲، چ ۱، تهران: پایدار.
- مهدی پور، کاظم (۱۳۸۵)، آنچه لازم است ضابطان قوه قضائیه بدانند، تهران: مجد.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۳)، آیین دادرسی کیفری: سلب آزادی تن، چ ۱، تهران: دبدار.
- هدایتی، محمد علی (۱۳۴۲)، آیین دادرسی کیفری، چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران